

فرمان روزنامه‌مسح‌ایران سه‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۶. ۲۶ جمادی الاول ۱۴۳۹. شماره ۱۹۷۵

سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ‌و ارشاد اسلامی در پیامی تویتری، حال‌وهوای سینمای ایران در جشنواره فیلم فجر واستقبال مخاطبان از کتاب «رهش» را ضامیرخانی را از اتفاقات خوب حوزه فرهنگ در روزهای اخیر دانست. سیدعباس صالحی در تویترش نوشت: «شور سینما» صف خرید کتاب رهش، دو اتفاق خوب روزهای اخیر بود. رمان خوب، پشتوانه سینمای ایرانی است. قدر این اشتیاق را می‌دانیم.»

لذت شعر

●●●



در ظاهر وباطنت قیامت برپاست
انکار تو در عشق شدیداً بیباست
هر چند تکان نمی خورد لب هایت
لیخند تو از پشت نگاهت پیداست



تهران
همیشه مسافر است
با چمدانی در دست
از این اتوبان
به آن اتوبان...



ربطی به من نداد
ردار و ندار
مردم مشغول و نادر
کار بی به کار
مردم با آن که سخت باشند
امر از زندگانی
کاری یکن، نباشی
تا وام دار مردم

جواد مهدی پور

چیست معجزه بازی؟
که کود کاری قایم می‌شوند
و پیدایشان که می‌کنی
بزرگ شده‌اند

علی محمد مودب

ادبی

●●●

معرفی نامزدهای بخش «در باره شعر» جشنواره شعر فجر

هیئت داوران بخش «در باره شعر» دوازدهمین جشنواره شعر فجر، اسامی شش نامزد را دریافت به مرحله نهایی این بخش را اعلام کرد. به گزارش ایسنا، آثار دریافت‌به مرحله نهایی داورى دوازدهمین جشنواره بین المللی شعر فجر (به ترتیب الفبای کتاب‌ها) به شرح زیر است: «پاپ‌نامه»، سعید کریمی - «در پی آن آشنا»، سید محمد راستگو - «سیاست در شعر نو»، محمد کمالی زاده - «شاهنامه و شعر زمان فردوسی»، پروفیسور خدایی شریف‌زاده، زیر نظر دکتر محمدجعفر باحقى - «صدسال عشق مجازى»، د کتر محمود فتوحى - «فرهنگنامه صورخیال در دیوان خاقانى»، سعید مهدوی‌فر. این شش اثر با داورى «محمدرضا سنگسرى»، «مریم جلالی» و «عبدالحمید ضیایی» به مرحله نهایی دوازدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر اهیافتند.

اختتامیه جشنواره منطقه‌ای شعر فجر در مشهد

خراسان - سرپرست دفتر شعر و ادب اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان، ضوی از شروع برنامه‌های اختتامیه جشنواره منطقه‌ای شعر فجر در مشهد خبر داد. ملیحه بدری بایبان اخیر افزود: «روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن ماه، برنامه‌های جشنواره منطقه‌ای شعر فجر با حضور شاعران سه استان خراسان در مشهد با برگزاری کارگاه تخصصی ادبی آغاز می‌شود.» وی اظهار کرد: «سه‌شنبه ۲۴ بهمن ساعت ۱۶ تا ۱۸ کارگاه ادبی شعر با حضور محمد کاظم کاظمی، آغازگر برنامه‌های این جشنواره خواهد بود وساعت ۱۸ تا ۲۰ مغل شعر فجر با حضور شاعران سه استان بر گزار می‌شود. سرپرست دفتر شعر و ادب اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی همچنین از برگزاری کارگاه‌های تخصصی شعر با حضور دکتر منوری و دکتر علیرضا قیامتی خبر داد و گفت: «این کارگاه‌ها صبح روز ۲۵ بهمن ماه برگزار می‌شود. وی افزود: «این اختتامیه این جشنواره در روز ۲۵ بهمن ماه ساعت ۱۵ برگزار می‌شود و در این مراسم از هشت شاعر برگزیده، دو شاعر پیش‌کسوت و شش انجمن شعر فعال در استان خراسان رضوی تقدیر خواهد شد.» بدری در پایان گفت: «مجموعه‌فاهی شهید کامیاب، نیش سناباد ۲۵ محل برگزاری جشنواره منطقه‌ای شعر فجر است. کلیه علاقه‌مندان می‌توانند در محفل شعر و کارگاه‌های تخصصی شرکت کنند و در پایان این کارگاه‌ها گواهی‌نامه آموزشی نیز برای شرکت‌کنندگان صادر می‌شود.»

انجمن ادبی بیدل در دهلی برگزار شد

شصت و پنجمین جلسه انجمن ادبی بیدل، با حضور حداد عادل، رئیس بنیاد سعدی و رونمایی از دو کتاب «حدیث سرو و نیلوفر» و «مثنوی معنوی تصحیح محمد علی موحد» برگزار شد. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی بنیاد سعدی، در این نشست که در سوی مرکز تحقیقات فارسی رابرتی فرهنگ‌ی ایران در دهلی برگزار شد، حداد عادل ضمن بیان توضیحاتی در باره کتاب «حدیث سرو و نیلوفر» از قدیمت زبان فارسی در شبه‌قاره هند و علاقه‌اش به این منطقه سخن گفت. سپس انصاری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در هند درباره اهمیت و رابط فرهنگ‌ی و ادب ایران از توضیحاتی ارائه‌داد.



رمان خوب

پشتوانه سینمای ایرانی است

جغرافیای ایرانی، رمان‌های جهانی

●●●

گروه ادب و هنر- رمان‌های معروف ایرانی، روایت‌کننده حال و هوای کدام شهرهای ایران هستند؟ نویسنده‌گان رمان‌های بزرگی همچون کلیدر، شوهر آمو خانم، سووشون ... که به زبان‌های مختلفی هم ترجمه شدند و به محبوبیت رسیدند؛ قصه خود را در کدام بستر جغرافیایی و توصیف چه شهر و روستایی، روایت کردند و پیش برده‌اند؟ شاید برایتان جالب باشد، باهم به بررسی نقش جغرافیا و زادگاه نویسنده‌گان در رمان‌های معروف ایرانی، که یکی از عوامل شهرت این رمان‌ها هم هست، بپردازیم.

«شوهر آمو خانم»؛ کرمانشاه

علی محمد افغانی

خیلی‌ها «علی محمد افغانی» نویسنده کرمانشاهی را بارمان «شوهر آمو خانم» می‌شناسند. رمانی که تحولی شگرف در داستان‌های رئالیستی (واقع‌گرایانه) و در ادبیات استان کرمانشاه و کشور در دهه ۴۰ ایجاد کرد. علی محمد افغانی این رمان را در سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۸ نوشته و خودش با هزینه شخصی آن را چاپ کرده است، زیرا ناشری حاضر به چاپ داستان بلند یک نویسنده ناشناس نبود. اما کتاب در اوایل دهه ۴۰ به فروش تریّن کتاب سال شد و این نویسنده کرمانشاهی را به شهرت رساند. داستان رمان در سال ۱۳۱۴ در کرمانشاه رخ می‌دهد و درون‌مایه اصلی داستان در باره وضعیت زندگی سخت زنان در سطوح پایین جامعه و نکوهش چند همسری در آن سال‌هاست. افغانی با تصویر سازی بی‌نظیرش، حال و هوای آن سال‌های شهر و مردم کرمانشاه را واقع‌گرایانه به تصویر می‌کشد.

شاید یکی از بارزترین این نمونه‌ها، رمان ۱۰ جلدی «کلیدر»، داستان واقع‌گرایانه محمود دولت‌آبادی، نویسنده سبزواری است که در سال‌های ۵۷ تا ۶۳ نوشته شده است و داستان آن در زادگاه نویسنده روایت می‌شود. کلیدر روایت زندگی یک خانواده کرد ایرانی است که به سبزو ار خراسان کوچانده شده‌اند. اتفاقات داستان کلیدر که متأثر از فضای ملت‌پن سیاسی ایران پس از جنگ جهانی دوم است، در بین سال‌های ۲۵ تا ۲۷ در «کلیدر» که نام کوه وروستایی بین فوجان و سبزو ار است، می‌گذرد.

با انتقاد از تعجیل شاعران جوان در انتشار آثارشان گفت: «بررسی آثار نشان می‌دهد کتاب‌های شعر منتشرشده در سال گذشته به لحاظ کیفی از سطح متوسطی برخوردارند و تعداد آثار در خشان چندان زیاد نیست، به‌ویژه در حوزه شعر جوانان به دلیل تعجیلی که در انتشار کتاب‌ها وجود دارد، شعرها فرصت غربالگری پیدانمی‌کنند. بنابراین شاعران جوان برای این که بتوانند هر سال چند کتاب منتشر کنند، ناچارند هر چه از کار قلمشان رفته‌است، منتشر کنند.

جواد محقق، دبیر علمی دوازدهمین دوره جشنواره شعر فجر در گفت‌وگو با خبرنگارگان پویا

با انتقاد از تعجیل شاعران جوان در انتشار آثارشان گفت: «بررسی آثار نشان می‌دهد کتاب‌های شعر منتشرشده در سال گذشته به لحاظ کیفی از سطح متوسطی برخوردارند و تعداد آثار در خشان چندان زیاد نیست، به‌ویژه در حوزه شعر جوانان به دلیل تعجیلی که در انتشار کتاب‌ها وجود دارد، شعرها فرصت غربالگری پیدانمی‌کنند. بنابراین شاعران جوان برای این که بتوانند هر سال چند کتاب منتشر کنند، ناچارند هر چه از کار قلمشان رفته‌است، منتشر کنند.

جواد محقق، دبیر علمی دوازدهمین دوره جشنواره شعر فجر در گفت‌وگو با خبرنگارگان پویا

با انتقاد از تعجیل شاعران جوان در انتشار آثارشان گفت: «بررسی آثار نشان می‌دهد کتاب‌های شعر منتشرشده در سال گذشته به لحاظ کیفی از سطح متوسطی برخوردارند و تعداد آثار در خشان چندان زیاد نیست، به‌ویژه در حوزه شعر جوانان به دلیل تعجیلی که در انتشار کتاب‌ها وجود دارد، شعرها فرصت غربالگری پیدانمی‌کنند. بنابراین شاعران جوان برای این که بتوانند هر سال چند کتاب منتشر کنند، ناچارند هر چه از کار قلمشان رفته‌است، منتشر کنند.

جواد محقق، دبیر علمی دوازدهمین دوره جشنواره شعر فجر در گفت‌وگو با خبرنگارگان پویا

فرنگیس یاقوتی– بیستم بهمن ماه مصداق با سالروز درگذشت نویسنده بزرگ روسیه «داستایوفسکی» بود. از جمله آثار بزرگ او که توان به «برادران کارامازوف»، «ایله»، «شب‌های روشن» و «جنایت و مکافات» اشاره کرد. امروز بخش‌هایی از زندگی این نویسنده بزرگ را مرور می‌کنیم. وی فرزند دوم خانواده داستایوفسکی است که در ۱۳۰ اکتبر ۱۸۲۱ به دنیا آمد. پدرش پزشک و او از کراین به مسکو مهاجرت کرده بود و مادرش نیز دختریکی از بازرگانان مسکو بود. در ۱۸۳۱ وارد ادینسب مرزهای اوکراین شد. حومه شهر تولا در نزدیکی مسکو خریدند که از آن او در بعد تابستان‌ها را در این مکان می‌گذراندند. او در سال ۱۸۳۴ همراه با برادرش به مدرسه شبانه‌روزی منتقل شد و سه سال آن‌جا ماند. در همان سال پانزده سالگی مادرش از دنیا رفت. در همان سال امتحانات ورودی دانشکده مهندسی نظامی را در سن پترزبورگ با موفقیت پشت سر گذاشت و در ژانویه ۱۸۳۸ واردادینسب مرزهای اوکراین شد. خبر فوت پدرش به‌اورسید. در ادامه سعی کرده‌ایم به مناسبت سالروز درگذشت این نویسنده بزرگ به بررسی بخش‌های جذابی از زندگی او و بر بازیم که احتمالا به حال‌از آن اطلاعاتی نداشته‌اید.

ویژگی داستان‌هایش

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های «داستایوفسکی» این است که زندگی‌اش در آثارش متجلی است و برخی آدم‌های مهم و واقعی زندگی او در داستان‌هایش هم حضور دارند. ویژگی منحصر به فرد آثار وی، روان‌کاوی و بررسی روانی‌روایی برخی شخصیت‌های داستان است.

ماجراهای عشق و ازدواج اول
«داستایوفسکی» در ۲۸ سالگی به دلیل شرکت در محافل انقلابی و فعالیت علیه تزار دستگیر و زندانی

«آتش بدون دود»؛ ترکمن صحرا

نادر ابراهیمی

یکی از نمونه‌های جالب در این باره، رمان معروف هفت جلدی «آتش بدون دود» نوشته «نادر ابراهیمی» است. داستان این رمان در ترکمن صحرا رخ می‌دهد و ابراهیمی که زاده تهران است، با سفر به استان گلستان می‌گذرد، کاربرد برخی واژه‌های عامیانه شیرازی در متن است که گیرایی و جذابیت داستان را صدچندان می‌کند. نویسنده در این رمان زندگی فتودایی در زمان اشغال ایران از سوی انگلیسی‌ها را به زیبایی به نگارش درآورده‌است.

یکی از بارزترین این نمونه‌ها، رمان ۱۰ جلدی «کلیدر»، داستان واقع‌گرایانه محمود دولت‌آبادی، نویسنده سبزواری است که در سال‌های ۵۷ تا ۶۳ نوشته شده است و داستان آن در زادگاه نویسنده روایت می‌شود. کلیدر روایت زندگی یک خانواده کرد ایرانی است که به سبزو ار خراسان کوچانده شده‌اند. اتفاقات داستان کلیدر که متأثر از فضای ملت‌پن سیاسی ایران پس از جنگ جهانی دوم است، در بین سال‌های ۲۵ تا ۲۷ در «کلیدر» که نام کوه وروستایی بین فوجان و سبزو ار است، می‌گذرد.

با انتقاد از تعجیل شاعران جوان در انتشار آثارشان گفت: «بررسی آثار نشان می‌دهد کتاب‌های شعر منتشرشده در سال گذشته به لحاظ کیفی از سطح متوسطی برخوردارند و تعداد آثار در خشان چندان زیاد نیست، به‌ویژه در حوزه شعر جوانان به دلیل تعجیلی که در انتشار کتاب‌ها وجود دارد، شعرها فرصت غربالگری پیدانمی‌کنند. بنابراین شاعران جوان برای این که بتوانند هر سال چند کتاب منتشر کنند، ناچارند هر چه از کار قلمشان رفته‌است، منتشر کنند.

جواد محقق، دبیر علمی دوازدهمین دوره جشنواره شعر فجر در گفت‌وگو با خبرنگارگان پویا

با انتقاد از تعجیل شاعران جوان در انتشار آثارشان گفت: «بررسی آثار نشان می‌دهد کتاب‌های شعر منتشرشده در سال گذشته به لحاظ کیفی از سطح متوسطی برخوردارند و تعداد آثار در خشان چندان زیاد نیست، به‌ویژه در حوزه شعر جوانان به دلیل تعجیلی که در انتشار کتاب‌ها وجود دارد، شعرها فرصت غربالگری پیدانمی‌کنند. بنابراین شاعران جوان برای این که بتوانند هر سال چند کتاب منتشر کنند، ناچارند هر چه از کار قلمشان رفته‌است، منتشر کنند.

جواد محقق، دبیر علمی دوازدهمین دوره جشنواره شعر فجر در گفت‌وگو با خبرنگارگان پویا

با انتقاد از تعجیل شاعران جوان در انتشار آثارشان گفت: «بررسی آثار نشان می‌دهد کتاب‌های شعر منتشرشده در سال گذشته به لحاظ کیفی از سطح متوسطی برخوردارند و تعداد آثار در خشان چندان زیاد نیست، به‌ویژه در حوزه شعر جوانان به دلیل تعجیلی که در انتشار کتاب‌ها وجود دارد، شعرها فرصت غربالگری پیدانمی‌کنند. بنابراین شاعران جوان برای این که بتوانند هر سال چند کتاب منتشر کنند، ناچارند هر چه از کار قلمشان رفته‌است، منتشر کنند.

سپس به اردوگاهی در سبیری برای بیگاری و انجام کارهای سخت در شرایط بد آب و هوایی در ستاده شد. همین دوران باعث شد او به بیماری سرع مبتلا شود و برانجام در ۶۰ سالگی به دلیل همین بیماری و حملات بی‌دربی صرع فوت کند البته در برخی نوشته‌ها علت مرگ او خونریزی ریه اعلام شده است. «داستایوفسکی» بعد از این که از زندان آزاد شد با خانم نویسنده‌ای به نام «ماریا دیمیتریونا» ملاقات کرد اما شرایط برای آشنایی بیشتر فراهم نبود زیرا در آن هنگام ماریا با مرد جوانی ازدواج کرده بود و داستایوفسکی مجبور شد تا زمان فوت همسر ماریا صبر کند و بعد از مرگ همسر «ماریا» به‌ابواباز علاقه‌کند البته این ابراز عشق به تأخیر افتاده، به‌آن سادگی که داستایوفسکی "فکر می‌کرد پیش‌رفت و ماریا در جواب گفت که به مرد تو تمندی علاقه دارد. بعد از طی مشکلات فراوان و فرازونشیب‌های مختلف، آن‌دو در نهایت با یکدیگر ازدواج کردند. «داستایوفسکی» به شدت «ماریا» را دوست داشت اما به‌طور کلی بیشتر از کنار هم بودن زجر می‌کشیدند تا این که احساس خوشبختی کنند. بعد از سه سال زندگی مشترک ماریا فوت کرد.

ایستگاه متروی داستایوفسکی
در سال ۲۰۱۰ ایستگاه مترویی با نام داستایوفسکی در شهر "مسکو" در کشور "روسیه" افتتاح شد. این ایستگاه در شهر "مسکو" بسیار مهم و تأثیرگذار است و دیواره‌های آن پوشیده از عکس‌ها و صحنه‌های مختلفی از کتاب‌های اوست.

قمار باز
داستایوفسکی رمان معروف "قمار باز" را تنها در ۲۶ روز نوشت آن هم در شرایطی که هنگام نوشتن کتاب، مهربی کتاب‌های بازی پر داخت به‌شش اش داشت. به‌طور کلی «داستایوفسکی» در طول عمرش چندین و چند بار تمام سرمایه خود را به دلیل قمار از دست داد. کتاب "قمار باز" را مترجمان متعددی به فارسی ترجمه کرده‌اند که یکی از آن‌ها "لال‌ال احمد" است.

منابع: gthb و..

ادب و هنر

●●●

●●●

●●●

●●●

در اختتامیه هفته فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان:

برگزاری هفته‌های فرهنگی، نماد دوستی و محبت دو ملت

مراسم اختتامیه روزهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان، در حالی پایان یافت که ایودر ابراهیمی ترکمان ملت و دولت ترکمنستان تقدیر و تشکر کرد. به گزارش ایسکانیوز، ایودر ابراهیمی ترکمان رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با اشاره به هفته‌های فرهنگی گفت: «برگزاری هفته‌های فرهنگی به‌عنوان نماد دوستی و محبت دو ملت ضمن این که اسباب آشنایی و تعامل افزون تر نخبگان فرهنگی و هنری دو کشور افر ا مهم می‌کند، این امکان را نیز به وجود می‌آورد تا مردم ترکمنستان با دستاوردهای فرهنگی ایران امروز و جوهر برجسته فرهنگ شگفت‌انگیز ایرانی که عمیقاً بر خوردار از شور زندگی است، بیشتر آشنا شوند.»

شاه مراداف، وزیر فرهنگ ترکمنستان نیز در اختتامیه روزهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران گفت: «با توجه به برنامه‌هایی که در چارچوب روزهای فرهنگی ایران در ترکمنستان برگزار شد، این اتفاق در تاریخ روابط دوستانه مردم ما رویداد مهمی است.» وی افزود: «برگزاری نمایشگاه صنایع دستی، کنسرت موسیقی هنرمندان و کودکان، بخش فیلم‌های سینمایی ایران در چارچوب روزهای فرهنگی ایران در ترکمنستان برای تبادل تجربه هنرمندان ترکمن و ایران و آشنا ساختن همدیگر با موفقیت فرهنگی و هنری بسیار نتیجه‌بخش بوده‌است.» شاه مراداف در پایان تأکید کرد: «در آینده همچنین برنامه‌های فرهنگی بزرگی برای گسترش همکاری‌ها و افزایش حسن همجواری بین ترکمنستان و ایران، برگزار می‌شود.»
آیین اختتامیه روزهای فرهنگی ایران در ترکمنستان با حضور رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزیر فرهنگ ترکمنستان، هیئت فرهنگی و هنری از ایران و مدیران بلندپایه فرهنگی ترکمنستان، در محل کاخ مقاملار مرکز فرهنگی دولتی ترکمنستان، برگزار شد. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برای برگزاری هفته فرهنگ ایران در ترکمنستان، گروه «فرقه‌ای از هنرمندان کشورمان را به عشق آباد (پایتخت ترکمنستان) اعزام کرده بود. در طول این هفته فرهنگی، اجرای کنسرت موسیقی توسط گروه «اسمیرغ» از مشهد، پربایی نمایشگاه فرهنگی و هنری جمهوری اسلامی در موزه هنرهای تجسمی ترکمنستان، برگزاری نشست تخصصی هنرمندان صنایع دستی دو کشور، نمایش فیلم‌های سینمایی در سینمای عشق آباد، اجرای کنسرت موسیقی مشترک کودکان ایران و ترکمنستان در تئاتر روسکرت ترکمنستان و... از جمله برنامه‌های اجرا شده در ترکمنستان بود.

«تبریز مه‌آلود» یا «دومانی تبریز» رمان عاشقانه آذربایجانی است که توسط «محمد سعید اردوبادی» نویسنده زاده «اردوباد» از شهرهای آذربایجان نوشته شده است. داستان اصلی این رمان در تبریز و طی جنبش مشروطه ایران و اشغال تبریز به دست قوای روس در اوایل دهه ۲۰ اتفاق می‌افتد. عمده تمرکز کتاب، شامل وقایع انقلاب مشروطه در پشت داستانی عاشقانه است. سوای داستان رمانتیک، راوی به شرح جزء به جزء وقایع مشروطه و اشغال تبریز به دست قوای روس در سال‌های بعد از مشروطه می‌پردازد و نویسنده، روایت دقیقی از اتفاقات و رویدادهای دهه ۲۰ در شهر تبریز دارد.

«زمین سوخته» نوشته احمد محمود نیز در اهواز و در سکونگاه این نویسنده روایت می‌شود. این رمان، روایت جنگ ایران و عراق است که در سال ۶۱ نوشته می‌شود. «زمین سوخته» حاصل تجربه شخصی احمد محمود از جنگ تحمیلی است. او درباره داستان رمان گفته است: «وقتی خبر کشته شدن برادرم را در جنگ شنیدم، از تهران راه افتادم رفتم جنوب. رفتم سوسنگرد، رفتم هویزه. تمام این مناطق را گشتم. تقریباً نزدیک جبهه بودم. وقتی برگشتم، واقعا دلم تلنبار شده بود. دیدم چه مصیبتی را تحمل می‌کنم. دلم می‌خواست لااقل مردم مناطق دیگر هم بفهمند که چه اتفاقی افتاده است. همین فکر دارم که در زمین سوخته را بنویسم.»

جواد محقق، دبیر علمی دوازدهمین دوره جشنواره شعر فجر در گفت‌وگو با خبرنگارگان پویا

با انتقاد از تعجیل شاعران جوان در انتشار آثارشان گفت: «بررسی آثار نشان می‌دهد کتاب‌های شعر منتشرشده در سال گذشته به لحاظ کیفی از سطح متوسطی برخوردارند و تعداد آثار در خشان چندان زیاد نیست، به‌ویژه در حوزه شعر جوانان به دلیل تعجیلی که در انتشار کتاب‌ها وجود دارد، شعرها فرصت غربالگری پیدانمی‌کنند. بنابراین شاعران جوان برای این که بتوانند هر سال چند کتاب منتشر کنند، ناچارند هر چه از کار قلمشان رفته‌است، منتشر کنند.

مترجم: سیما سورغالی– مرد کنار حصار ایستاد و متفکرانه به بیشه زار محاصره شده با سیم‌های خاردار نگاه کرد. به دنبال نشانه‌هایی از انسان بود اما چیزی جز به هم ریختگی انبوهی از سیم‌های گره خورده و سیستماتیک نمی‌دید؛ مقداری جلوتر شاهد مترسک‌های متناوبی بود که تا مسیر مستر را حاد اما مه‌داشته؛ شکلهایی می‌دید که مترسک‌ها به خود گرفته بودند، چادرها، سیم‌های بیشتر، شکلهای بیشتر، زمین لغت و چادرهایی که تا بی نهایت ادامه داشتند... هر چند که آن موقع هم می‌گفتند را باور نکرد، اما به خاطر داشت که قرار بود سیم‌های بیشتری مانند ماهی‌های انکار که گردنش زیر ریه می‌پایید و بی حرکت، مانند حبس‌شدن نفس حیوانات تحت تسلیم ظهر، خلاصه می‌شد. سر ما بر او مانند وزن برج تر ساکی از آتش که لحظه به لحظه بیشتر زبانه می‌کشید، سنگینی می‌کرد. هیچ نشانی از انسان ندید؛ وحشت محض را پشت سرش - بدون این که نیاز باشد پرخرد- با تمام وضوح احساس می‌کرد. دیگران آن‌جا دور، جز زمین فوتبال و مصون از تعرض، قرار داشتند؛ مانند ماهی‌های قفس، جدا شده و کنایه گذاشته شده بودند. مستراح را با وسواس تمیز کرد، بهشت جایی بسیار دور از او قرار داشت. چادر خالی و مشکوک توسط پلیسی که از ظاهرش مشخص بود آدم شکمویی است، محافظت می‌شد. همه جا بسیار آرام بود و به شدت گرم اما گه‌گاهان سرش را پایین آورد، انگار که گردنش زیر ریه می‌چکش زده شود؛ چیزی که دیدم موجب خوشحالی اش شد: سایه‌های ظریف سیم‌های خاردار بر زمین برهنه شبیه به نقوش شاخه‌های در هم پیچیده پنجره‌ای ظرف و زیبا بود. به نظرش رسید که آن نقوش باید بی نهایت سرد باشند؛ نقوشی که به هم متصل هستند؛ بله، به نظر می‌رسید که لیخنه می‌زنند؛ آرام می‌صدا.

خام‌شد، با احتیاط میان سیم‌ها رفت و یکی از آن شاخه‌های زیبارا چید؛ به صورتش نزدیک کرد، لیخنه‌د، شبیه به پره‌های پنکه‌ای بود که جلوی صورتش برآمده می‌حرکت می‌کرد. دست‌هایش را جلو برد و سایه‌های زیبا را جمع کرد. سمت راست و چپ بیشه زار را نگاه کرد؛ شادی آرام‌آرام در چشم‌هایش محو شد: میل و حشانه‌ای در او بالا گرفت. نقوش بی‌حد و اندازه‌ای می‌دید که وقتی آن‌ها را جمع می‌کرد انبندت سرد و دلچسپی از سایه‌ها به از مغان می‌آورد. مرد کم‌کم گشاد شد، به نظر می‌رسید که هر لحظه ممکن است از زندان گره چشمش آزاد شود. جیغ زنان گریه سر داد و در بیشه از فرورفت؛ هر چه بیشتر در آن‌خا‌های بی‌رحم گرفتار می‌شد، بیشتر دست و پا می‌زد، مثل حشره‌ای که در تار عنکبوت گرفتار شده، دست و پا می‌زد و سعی داشت که در دست‌هایش آن شاخه‌های نفیس را بشکند. پلیس شکمو رسید، او را آزاد کرد، بالاخره آرام گرفت.

۱۱

●●●

●●●

●●●

●●●

در اختتامیه هفته فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان:

برگزاری هفته‌های فرهنگی، نماد دوستی و محبت دو ملت

مراسم اختتامیه روزهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان، در حالی پایان یافت که ایودر ابراهیمی ترکمان ملت و دولت ترکمنستان تقدیر و تشکر کرد. به گزارش ایسکانیوز، ایودر ابراهیمی ترکمان رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با اشاره به هفته‌های فرهنگی گفت: «برگزاری هفته‌های فرهنگی به‌عنوان نماد دوستی و محبت دو ملت ضمن این که اسباب آشنایی و تعامل افزون تر نخبگان فرهنگی و هنری دو کشور افر ا مهم می‌کند، این امکان را نیز به وجود می‌آورد تا مردم ترکمنستان با دستاوردهای فرهنگی ایران امروز و جوهر برجسته فرهنگ شگفت‌انگیز ایرانی که عمیقاً بر خوردار از شور زندگی است، بیشتر آشنا شوند.»

شاه مراداف، وزیر فرهنگ ترکمنستان نیز در اختتامیه روزهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران گفت: «با توجه به برنامه‌هایی که در چارچوب روزهای فرهنگی ایران در ترکمنستان برگزار شد، این اتفاق در تاریخ روابط دوستانه مردم ما رویداد مهمی است.» وی افزود: «برگزاری نمایشگاه صنایع دستی، کنسرت موسیقی هنرمندان و کودکان، بخش فیلم‌های سینمایی ایران در چارچوب روزهای فرهنگی ایران در ترکمنستان برای تبادل تجربه هنرمندان ترکمن و ایران و آشنا ساختن همدیگر با موفقیت فرهنگی و هنری بسیار نتیجه‌بخش بوده‌است.» شاه مراداف در پایان تأکید کرد: «در آینده همچنین برنامه‌های فرهنگی بزرگی برای گسترش همکاری‌ها و افزایش حسن همجواری بین ترکمنستان و ایران، برگزار می‌شود.»
آیین اختتامیه روزهای فرهنگی ایران در ترکمنستان با حضور رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزیر فرهنگ ترکمنستان، هیئت فرهنگی و هنری از ایران و مدیران بلندپایه فرهنگی ترکمنستان، در محل کاخ مقاملار مرکز فرهنگی دولتی ترکمنستان، برگزار شد. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برای برگزاری هفته فرهنگ ایران در ترکمنستان، گروه «فرقه‌ای از هنرمندان کشورمان را به عشق آباد (پایتخت ترکمنستان) اعزام کرده بود. در طول این هفته فرهنگی، اجرای کنسرت موسیقی توسط گروه «اسمیرغ» از مشهد، پربایی نمایشگاه فرهنگی و هنری جمهوری اسلامی در موزه هنرهای تجسمی ترکمنستان، برگزاری نشست تخصصی هنرمندان صنایع دستی دو کشور، نمایش فیلم‌های سینمایی در سینمای عشق آباد، اجرای کنسرت موسیقی مشترک کودکان ایران و ترکمنستان در تئاتر روسکرت ترکمنستان و... از جمله برنامه‌های اجرا شده در ترکمنستان بود.

«زمین سوخته» نوشته احمد محمود نیز در اهواز و در سکونگاه این نویسنده روایت می‌شود. این رمان، روایت جنگ ایران و عراق است که در سال ۶۱ نوشته می‌شود. «زمین سوخته» حاصل تجربه شخصی احمد محمود از جنگ تحمیلی است. او درباره داستان رمان گفته است: «وقتی خبر کشته شدن برادرم را در جنگ شنیدم، از تهران راه افتادم رفتم جنوب. رفتم سوسنگرد، رفتم هویزه. تمام این مناطق را گشتم. تقریباً نزدیک جبهه بودم. وقتی برگشتم، واقعا دلم تلنبار شده بود. دیدم چه مصیبتی را تحمل می‌کنم. دلم می‌خواست لااقل مردم مناطق دیگر هم بفهمند که چه اتفاقی افتاده است. همین فکر دارم که در زمین سوخته را بنویسم.»

جواد محقق، دبیر علمی دوازدهمین دوره جشنواره شعر فجر در گفت‌وگو با خبرنگارگان پویا

با انتقاد از تعجیل شاعران جوان در انتشار آثارشان گفت: «بررسی آثار نشان می‌دهد کتاب‌های شعر منتشرشده در سال گذشته به لحاظ کیفی از سطح متوسطی برخوردارند و تعداد آثار در خشان چندان زیاد نیست، به‌ویژه در حوزه شعر جوانان به دلیل تعجیلی که در انتشار کتاب‌ها وجود دارد، شعرها فرصت غربالگری پیدانمی‌کنند. بنابراین شاعران جوان برای این که بتوانند هر سال چند کتاب منتشر کنند، ناچارند هر چه از کار قلمشان رفته‌است، منتشر کنند.

جواد محقق، دبیر علمی دوازدهمین دوره جشنواره شعر فجر در گفت‌وگو با خبرنگارگان پویا

با انتقاد از تعجیل شاعران جوان در انتشار آثارشان گفت: «بررسی آثار نشان می‌دهد کتاب‌های شعر منتشرشده در سال گذشته به لحاظ کیفی از سطح متوسطی برخوردارند و تعداد آثار در خشان چندان زیاد نیست، به‌ویژه در حوزه شعر جوانان به دلیل تعجیلی که در انتشار کتاب‌ها وجود دارد، شعرها فرصت غربالگری پیدانمی‌کنند. بنابراین شاعران جوان برای این که بتوانند هر سال چند کتاب منتشر کنند، ناچارند هر چه از کار قلمشان رفته‌است، منتشر کنند.

سپس به اردوگاهی در سبیری برای بیگاری و انجام کارهای سخت در شرایط بد آب و هوایی در ستاده شد. همین دوران باعث شد او به بیماری سرع مبتلا شود و برانجام در ۶۰ سالگی به دلیل همین بیماری و حملات بی‌دربی صرع فوت کند البته در برخی نوشته‌ها علت مرگ او خونریزی ریه اعلام شده است. «دستایوفسکی» بعد از این که از زندان آزاد شد با خانم نویسنده‌ای به نام «ماریا دیمیتریونا» ملاقات کرد اما شرایط برای آشنایی بیشتر فراهم نبود زیرا در آن هنگام ماریا با مرد جوانی ازدواج کرده بود و داستایوفسکی مجبور شد تا زمان فوت همسر ماریا صبر کند و بعد از مرگ همسر «ماریا» به‌ابواباز علاقه‌کند البته این ابراز عشق به تأخیر افتاده، به‌آن سادگی که داستایوفسکی "فکر می‌کرد پیش‌رفت و ماریا در جواب گفت که به مرد تو تمندی علاقه دارد. بعد از طی مشکلات فراوان و فرازونشیب‌های مختلف، آن‌دو در نهایت با یکدیگر ازدواج کردند. «دستایوفسکی» به شدت «ماریا» را دوست داشت اما به‌طور کلی بیشتر از کنار هم بودن زجر می‌کشیدند تا این که احساس خوشبختی کنند. بعد از سه سال زندگی مشترک ماریا فوت کرد.

جواد محقق، دبیر علمی دوازدهمین دوره جشنواره شعر فجر در گفت‌وگو با خبرنگارگان پویا

با انتقاد از تعجیل شاعران جوان در انتشار آثارشان گفت: «بررسی آثار نشان می‌دهد کتاب‌های شعر منتشرشده در سال گذشته به لحاظ کیفی از سطح متوسطی برخوردارند و تعداد آثار در خشان چندان زیاد نیست، به‌ویژه در حوزه شعر جوانان به دلیل تعجیلی که در انتشار کتاب‌ها وجود دارد، شعرها فرصت غربالگری پیدانمی‌کنند. بنابراین شاعران جوان برای این که بتوانند هر سال چند کتاب منتشر کنند، ناچارند هر چه از کار قلمشان رفته‌است، منتشر کنند.

جواد محقق، دبیر علمی دوازدهمین دوره جشنواره شعر فجر در گفت‌وگو با خبرنگارگان پویا

با انتقاد از تعجیل شاعران جوان در انتشار آثارشان گفت: «بررسی آثار نشان می‌دهد کتاب‌های شعر منتشرشده در سال گذشته به لحاظ کیفی از سطح متوسطی برخوردارند و تعداد آثار در خشان چندان زیاد نیست، به‌ویژه در حوزه شعر جوانان به دلیل تعجیلی که در انتشار کتاب‌ها وجود دارد، شعرها فرصت غربالگری پیدانمی‌کنند. بنابراین شاعران جوان برای این که بتوانند هر سال چند کتاب منتشر کنند، ناچارند هر چه از کار قلمشان رفته‌است، منتشر کنند.

مترجم: سیما سورغالی– مرد کنار حصار ایستاد و متفکرانه به بیشه زار محاصره شده با سیم‌های خاردار نگاه کرد. به دنبال نشانه‌هایی از انسان بود اما چیزی جز به هم ریختگی انبوهی از سیم‌های گره خورده و سیستماتیک نمی‌دید؛ مقداری جلوتر شاهد مترسک‌های متناوبی بود که تا مسیر مستر را حاد اما مه‌داشته؛ شکلهایی می‌دید که مترسک‌ها به خود گرفته بودند، چادرها، سیم‌های بیشتر، شکلهای بیشتر، زمین لغت و چادرهایی که تا بی نهایت ادامه داشتند... هر چند که آن موقع هم می‌گفتند را باور نکرد، اما به خاطر داشت که قرار بود سیم‌های بیشتری مانند ماهی‌های انکار که گردنش زیر ریه می‌پایید و بی حرکت، مانند حبس‌شدن نفس حیوانات تحت تسلیم ظهر، خلاصه می‌شد. سر ما بر او مانند وزن برج تر ساکی از آتش که لحظه به لحظه بیشتر زبانه می‌کشید، سنگینی می‌کرد. هیچ نشانی از انسان ندید؛ وحشت محض را پشت سرش - بدون این که نیاز باشد پرخرد- با تمام وضوح احساس می‌کرد. دیگران آن‌جا دور، جز زمین فوتبال و مصون از تعرض، قرار داشتند؛ مانند ماهی‌های قفس، جدا شده و کنایه گذاشته شده بودند. مستراح را با وسواس تمیز کرد، بهشت جایی بسیار دور از او قرار داشت. چادر خالی و مشکوک توسط پلیسی که از ظاهرش مشخص بود آدم شکمویی است، محافظت می‌شد. همه جا بسیار آرام بود و به شدت گرم اما گه‌گاهان سرش را پایین آورد، انگار که گردنش زیر ریه می‌چکش زده شود؛ چیزی که دیدم موجب خوشحالی اش شد: سایه‌های ظریف سیم‌های خاردار بر زمین برهنه شبیه به نقوش شاخه‌های در هم پیچیده پنجره‌ای ظرف و زیبا بود. به نظرش رسید که آن نقوش باید بی نهایت سرد باشند؛ نقوشی که به هم متصل هستند؛ بله، به نظر می‌رسید که لیخنه می‌زنند؛ آرام می‌صدا.

خام‌شد، با احتیاط میان سیم‌ها رفت و یکی از آن شاخه‌های زیبارا چید؛ به صورتش نزدیک کرد، لیخنه‌د، شبیه به پره‌های پنکه‌ای بود که جلوی صورتش برآمده می‌حرکت می‌کرد. دست‌هایش را جلو برد و سایه‌های زیبا را جمع کرد. سمت راست و چپ بیشه زار را نگاه کرد؛ شادی آرام‌آرام در چشم‌هایش محو شد: میل و حشانه‌ای در او بالا گرفت. نقوش بی‌حد و اندازه‌ای می‌دید که وقتی آن‌ها را جمع می‌کرد انبندت سرد و دلچسپی از سایه‌ها به از مغان می‌آورد. مرد کم‌کم گشاد شد، به نظر می‌رسید که هر لحظه ممکن است از زندان گره چشمش آزاد شود. جیغ زنان گریه سر داد و در بیشه از فرورفت؛ هر چه بیشتر در آن‌خا‌های بی‌رحم گرفتار می‌شد، بیشتر دست و پا می‌زد، مثل حشره‌ای که در تار عنکبوت گرفتار شده، دست و پا می‌زد و سعی داشت که در دست‌هایش آن شاخه‌های نفیس را بشکند. پلیس شکمو رسید، او را آزاد کرد، بالاخره آرام گرفت.

منابع: gthb و..